Archive of SID

فصل نامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی[1]
سال ۱۱- شماره ۲- تابستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۰

بررسی منظومــۀ ورقه و گلشاه عیوقی و ویژگیهای سبکی آن

(ص ۲۱- ۴۰)

مرتضی انصار [2] (نویسنده مسئول)، سمیه هدایتی [3]

تاریخ دریافت مقاله:زمستان۱۳۹۶
تاریخ پذیرش قطعی مقاله:بهار۱۳۹۷

چکیده

عیوقی، از شاعران دوره اول غزنوی (نیمه اول سده پنجم هجری) در غزنه و معاصر سلطان محمود بود. «منظومه ورقه و گلشاه عیوقی» در قالب مثنوی و در بحرمتقارب سروده شده و مجموعه ای است که باید آن را مظهرآمیزه عشق و حماسه دانست.در این پژوهش نخست به معرفی عیوقی و منظومــۀ وی پرداخته سپس درباره قالبهای منظومه و ویژگیهای سبکی آن بتفصیل سخن گفته ایم. سبک گفتار عیوقی در این منظومه و مفردات و ترکیباتی که آورده است کهنه بنظر میرسد. برخی از نکات دستوری در کتاب از لحاظ قدمتی که دارد قابل توجه است. آیا توجه به مباحث مربوط به سبک شناسی این منظومه، در تحلیلهای زبانی راهگشا و سودمند است؟ این مقاله، به بررسی سبک منظومه و آشنایی بیشتر با ویژگیهای شعر عیوقی در سه بخش فکری، زبانی و ادبی و برخی مختصات عروضی پرداخته است.

کلمات کلیدی: عیوقی، منظومه، ورقه و گلشاه، حماسه، سبک شناسی

---

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران و مدرس مؤسسه غیرانتفاعی گلستان(golestan@golestan.ac.ir)

۳- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مؤسسه غیرانتفاعی گلستان(s.h.aftab۵۹@gmail.com)

www.SID.ir

Archive of SID

۱- مقدمه

با رواج شعر غنایی در قرن پنجم و با توجه به زمینه‌های موجود و رونق داستانسرایی و منظومه پردازی، منظومه‌های عاشقانه نیز کم‌کم شکل میگیرد که از برخی نشانی باقی است، چون مثنویهای رودکی و یا بخشی از آن در دست است، چون وامق و عذرای عنصری و یا تمام آن موجود است، چون ورقه و گلشاه عیوقی. در سیر تکوین داستان عاشقانه، پس از ورقه و گلشاه عیوقی، عنصری با سه منظومـهٔ وامق و عذرا، خِنگ بت و سرخ بت و شادبهر و عین‌الحیات قرار میگیرد که جز بخشی بازیافته از وامق و عذرا، از بقیه اطلاعی نداریم. (یکصدمنظومه عاشقانه فارسی،ذوالفقاری:ص۲۵) سبک منظومـهٔ عیوقی چیست؟از نظر سبک زبانی و محتوای حماسی کاملاً خراسانی است و درهمان دوره نیز هست؛امّا از نظرمحتوای عاشقانه و بطور کلی غنایی، میتوان آن را پیشگام یا درآمدی برسبک غنایی عراقی دانست.

تاریخ نظم داستان ورقه وگلشاه دقیقاً معلوم نیست؛ اگرابوحرزه جریر،شاعردوره اموی آن را بنظم عربی درآورده، عیوقی، نخستین شاعری است که آن را بنظم فارسی درآورده است.

استاد ذبیح الله صفا معتقد است: «موضوع داستان و امکنه و اشخاص و آداب وعادات مذکور در آن مربوط به عربستان و قوم عربست.کیفیت تنظیم داستان و ایرادموضوع هم انتساب حتمی آن رابه قوم عرب میرساند...داستان مانند دیگر داستانهای عاشقانه عربی همراه بانومیدی ومحرومیت و منجربه عاقبت تأثرانگیزست و این امر لازمه تعصب دور از تمدن اقوام بیابانگرد عرب بوده است... .تنهامطلبی که دراین داستان مایه تسلی است آنست که مسلمین برای آنکه نمونه‌یی ازمعجزات پیامبربیاورند، چنین گفته‌اند که پیامبر دو عاشق ناکام محروم رامدتی بعدازمرگ زنده ازقبر برآورده و با یکدیگر کابین بسته است».(ورقه وگلشاه عیوقی،تصحیح صفا، ص۱۴)

عیوقی، معاصر سلطان محمود بود.(۳۸۷-۴۲۱ هجری) دوره غزنویان یا دوره سلطان محمود غزنوی، یکی از دوره‌های مهم و پررونق ادبیات فارسی است. زبان فارسی بویژه در نظم، جایگاه زبان عربی را بدست آورد. (همان:۲۵) وزن و سبک نگارشی که عیوقی در نظم ورقه وگلشاه بکار برده است، همچون وزن وامق و عذرای عنصری و شاهنامه فردوسی، بحر

www.SID.ir

Archive of SID

متقاربست. این خصوصیت فقط با آنکه دلیل قدمت کتاب است ثابت میکند که این مثنوی یگانه نمونـهٔ یک نوع گمشده ادبی[۱] است.

۲- ضرورت انجام تحقیق

با توجّه به اینکه مثنوی ورقه و گلشاه عیوقی ،یگانه مثنوی است که از دوره اول غزنویان بطور کامل باقی مانده است،ضرورت دارد از جنبه‌های مختلف به مزیّتها و ارزشهای ادبی آن توجّه شود. برای شناخت بیشتر با سبک نخستین منظومه عاشقانه فارسی،در این پژوهش سعی شده که خصوصیات بارز سبکی این منظومه بررسی شود و برای رسیدن به این مقصود به بررسی سطحهای فکری، زبانی و ادبی وبرخی مختصات عروضی این منظومه پرداخته و برای تمامی آنها شواهد شعری ارائه شده است. ضمن اینکه برای پرهیز از اطناب از توضیح آرایه ها خودداری شده است.

۳- شیوه تحقیق

شیوهٔ ما در این پژوهش، تو صیفی و تحلیلی ست. هنگام بازخوانی و شرح ابیات منظومه موارد مربوط به سبک شنا سی آن را فراهم کرده و سپس د سته بندی و تحلیل نموده ومثال آورده ایم.

۴- پیشینه تحقیق

از دا ستان ورقه و گل شاه در آثار سوزنی و مولوی یاد شده و شاعری بنام یو سف مداح همین قصّه را در سال ۷۷۰ هجری بنظم ترکی درآورد و کتابی دیگر بنام «حکایـــهٔ عجیبه از احوال گلشاه و ورقه » اثر ملّا عبدالله حاجی بن میرکریم، از فارسی به ترکی ترجمه شده و در سال ۱۳۲۴ در تاشکند چاپ شد.

ترجمه ترکی دیگری از همین منظومه از شاعری بنام «مسیحی» در دست است که به شاه عباس کبیر هدیه شده و به وزن لیلی و مجنون است. مسیحی شیروانی از لیلی و مجنون فضولی در ورقه و گلشاه تأثیر پذیرفته است.(یکصدمنظومه عاشقانه فارسی،ذوالفقاری: ۹۳۴) و همین قصه در ادبیات قرون وسطی اسپانیا و فرانسه بنام Floire et Blancheflor مشهور بود. ترجمه ای از داستان ورقه و گلشاه بزبان کردی هم در دست و در کتابخانه دانشگاه ماربورگ آلمان موجود است که نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران قرار دارد.

[۱]- عنوان مقالهٔ استاداحمد آتش«یک مثنوی گم شده از دورهٔ غزنویان ورقه و گلشاه عیوقی»

www.SID.ir

Archive of SID

غیر از کتاب «یکصد منظومه عاشقانه فارسی،دکترحسن ذوالفقاری»، که به خلاصه‌ای ازمنظومـهٔ ورقه و گلشاه عیوقی، تحلیل داستان و مختصری ارزشهای سبکی پرداخته ، مقالـهٔ «داستان ورقه و گلشاه دکتر علی محمدی» و مقالـهٔ «تحلیل ساختاری طرح داستان ورقه و گلشاه عیوقی از مسعود فروزنده» هیچ اثری تاکنون به سبک شناسی نخستین منظومه باقیمانده از دوره اول غزنوی توجه ننموده است. بر این اساس، در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم این منظومه را معرّفی، تحلیل و بررسی کنیم، لازم به ذکر است که منبع اصلی این مقاله «ورقه و گلشاه عیوقی باهتمام دکتر ذبیح الله صفا» است.

۵- احوال و آثار عیوقی

از زندگی او آگاهی زیادی در دست نیست.همین قدر معلوم است که اومسلمان و معاصر سلطان محمود بود و داستان خود را دربهاریکسال شروع کرده و گویا در همان سال به پایان برده است. چنانکه از متن کتابش برمی‌آید سرگذشت غم‌انگیزی داشته و درعشق خودبراثر مکر وحیله عده‌یی از آشنایان و کسان ناکام افتاده بودوکسانی راکه بااوراه بیداد سپَرده بودند به یزدان سپُرد تادرروز قیامت داد وی راازآنان بستاند.»(ورقه وگلشاه عیوقی،تصحیح صفا،ص۱۱) ازنخستین کسانی که بوجودنسخه‌ای قدیمی ازاین منظومه درکتابخانه استانبول اطلاع یافتند. استاد فقید عباس اقبال آشتیانی و دانشمند محترم آقای دکتر احمد آتش، استاد زبان فارسی در دانشگاه استانبول بود. از دو بیت منقول در لغت فرس:

گـر بجـنبد در زمــانش گیــر گـــوش بر زمین ده تـا که گــردد لــوش[1] لـوش
بـا مردم لــک تـا بتـــوانی تـو میامـیـز زیرا که عجز از عـار نیـاید ز لک[2] و لاک

مسلم میشود که او علاوه بر این منظومه اولاً مثنویی به بحر رمـل مسدس داشته است که معلوم نیست در چه باب بوده و ثانیاًعلاوه بر مثنویها،قصایدی نیز میسروده و حـرفه مداحی او،این کار را ایجاب میکرده است.(تاریخ ادبیات در ایران،صفا:ص۶۰۳)

۶- معرفی منظومــه ورقه و گلشاه،شکل و قالب آن

داستان «ورقه و گلشاه» را عیوقی در زمان سلطان محمود بنظم درآورده است.کنیه سلطان محمود (ابوالقاسم) والقاب او(یمین الدوله و امین المله) بوده و عیوقی همه القاب و کنیه‌ها را در مدح او آورده است.

[1]- لوش: پاره
[2]- لک:خسیس و فرومایه

www.SID.ir

Archive of SID

تـــو عـیّـوقـیا گـرت هـــوشـــت ورای به خدمت به پـــای و به مدحـت گـــرای
به دل مهـر ســـلطـان غـــازی بجـــوی به جان مـدح سـلطـان محـمـود گـــوی

البته لازم بتوضیح است که مدت ده سال شک و تردید بود که آیا داستان ورقه و گلشاه به شکل یک متن ادبی وجود داشته باشدیا نه.کشف نسخـهٔ خطی توپقاپویی پرده ابهامها را از میان برداشت و آقای احمد آتش نخستین بار در مقاله خویش که بزبان فارسی و بعداً فرانسوی به نشر رسید مسأله را واضح ساخت متن ورقه وگلشاه را از روی آن نسخه در تهران بطبع رساند. نخستین کسی که اولین‌بار از روی آن نسخـهٔ دیگری برداشت عباس اقبال آشتیانی بود. اصلاحات ایشان و یادداشتهایی از استاد بدیع الزمان فروزانفر در تصحیح نسخه، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ میباشد ونیز دکتر ذبیح الله صفا با مقدمه‌ای آن نسخه را در سال ۱۳۴۳ ش/ ۱۹۶۵ م در تهران بچاپ رسانید.

منظومـــــهٔ کهن عاشقانه«ورقه وگلشاه» برگرفته ازداستان عربی«عروه و عفراء» است،که بنظم منسجم و روان داستانی روایت میشود. قصه عروه وعفراپیش ازقرن چهارم به صورت داســتانی مســتقل،مشــهور بوده ودرمنابع مختلفی ازکتب عرب ذکرآن آمده اســت[۱].حدیث عاشــقانه دودلداده که طی ماجراهایی بس شــگفت وغم‌انگیز به وصــال هم نمیرســند؛ اما عیوقی انتهای داستان راتغییرداده و با معجزه پیامبر(ص)و لطف الهی،آن دو را زنده میکند.

داستان دلدادگی عاشق و معشوق با زبانی ساده و بیپیرایه و در قالب مثنوی بلند عاشقانه و حماسی سروده شده است. تنوع مفاهیم در این قالب سبب تغییر وزن نمیشود . در این منظومه چند بار غزلهایی در ضمن داستان بکار گرفته شده که این امر از ویژگیهای جالب آن اســـت که در منظومه های بعدی کمتر دیده میشـــود. از جمله میتوان به منظومه عاشقانه«جمشید و خورشید» سلمان ساوجی(۷۰۹-۷۷۸ق) اشاره کرد که شاعر به اقتضای سخن چهل غزل و شماری مفرد و رباعی و قطعه در مثنوی گنجانده است. (یکصدمنظومه عاشــقانه فارســی،ذوالفقاری:۲۰۷) غزلهای منظومه ورقه و گلشــاه معمولاً بســیار لطیف و دل‌انگیز و از جمله غزلهای قدیم فارسی است که مقرون به روانی و انسجام لفظ و دقت و باریکی معانی اســت و درشــتی و فخامت الفاظ قصــیده‌گویان در آن مؤثر نیســت. این کارِ عیوقی را نوعی تنوع‌جویی و ابتکار میتوان دانســت که بمنظور انتقال مفهومی دیگر با قالب مناسب صورت گرفته است و گریز از یکنواختیهای حاکم بر قالب مثنوی را سبب شده است که البته بیانگر ذوق هنرمندانـهٔ عیوقی است.

[۱]- الاغانی چاپ بیروت جلد۲۰ص ۳٦٦-۳۷۹ ـ فوات الوفیات الکتبی،چاپ مصرج۲ص۷۰-۷٤

www.SID.ir

Archive of SID

داستان ورقه وگلشاه ۷۱ مینیاتور زیبا را در بردارد و تنها دورهٔ کامل داستان فارسی مصور پیش از قرن چهاردهم بحساب میآید. از کهنترین نسخه خطی مصور موجود در قرن ششم و هفتم میباشد. سبکی که در مینیاتورهای این نسخه بکار رفته، به سبک سلجوقی میباشد .(نگاهی به هنرنقاشی ایران از آغاز تا قرن ۱۰ه.ق،تجویدی،ص۵۷-۶۲)

۷- مختصات سبکی کتاب

از خصائص عمدهٔ شعر پارسی دری درنیمهٔ اول قرن پنجم، سادگی و روانی کلام و فکر در آن است. فکر گوینده در آنها بهسهولت و بدون دستآویختن به مضامین باریک، بدون تکلف، بیان شده است، از تعقید و ابهام و خیالات باریک دور از ذهن در آنها کمتر اثری دیده میشود. کمترین آشنائی با لهجهٔ کهنهٔ قرن چهارم و آغاز قرن پنجم ما را در فهم زیبائی و فصاحت معجزهآسای اشعار آن عهد یاری میکند. بررسی ویژگیهای سبکی اینگونه آثار به دلیل قدمتی که دارند باعث کشف زیباییهای بیشتر آنها خواهد شد. از ویژگیهای سبکی منظومه ورقه و گلشاه عیوقی میتوان به موارد ذیل اشاره نمود.

۸- ویژگیهای فکری

در سبک خراسانی، از نظر فکری، مدح محور اصلی است. عیوقی، شاعر مسلمان پارسیگوی نیز، پس از ستایش خداوند و مدح پیامبر اسلام (ص)، به مدح سلطان محمود پرداختهاست. اشاره میکند که این کتاب را به درخواست او از عربی بفارسی بنظم درآورده:

چنین قصّه بی‌راکس از خاص‌وعام — نگویذ بذین وزن وانشی تمام
من وحجره و توبه از شاعری — گُسستَه شذ اندر میان داوری
مَن از بهر آن افسر سروری — سَخُن راند خواهم بلفظ دری

(۶۷-۶۹)

۹- سطح آوایی

«به سطح آوایی میتوان سطح موسیقیایی متن نیز گفت، زیرا در این مرحله متن را بلحاظ ابزار موسیقی آفرین بررسی میکنیم».(کلیات سبک شناسی،شمیسا: ۲۱۶) شفیعی کدکنی، موسیقی شعر را به چهار دسته تقسیم می کند. موسیقی بیرونی، کناری، درونی و موسیقی معنوی.(موسیقی شعر،شفیعی کدکنی:۳۹۱و۳۹۲).

۹-۱- موسیقی بیرونی

www.SID.ir

Archive of SID

وزن این منظومه «فعولن فعولن فعولن فعل»است. انتخاب این بحر برای نظم این داستان به دو علت است: نخست آنکه تا حدود قرن پنجم غالب داستانهای عاشقانه به بحر متقارب سروده میشده است و ثانیاً داستان منظومه مورد بررسی تنها عاشقانه نیست بلکه بیشتر به یک داستان حماسی میماند که بنای آن بر یک حادثه عشقی نهاده شده باشد. بهمین دلیل است که شاعر هر جا به وصف میدانهای جنگ رسیده تفصیل بیشتری بکاربرده و اوصاف پهلوانی را بیشتر مورد توجه و عنایت قرار داده است .پس میتوان گفت در واقع روایت فارسی داستان بیشتر ویژگیهای حماسی با بار عاطفی دارد در حالی‌که اصل عربی داستان بشتر جنبه تغزلی با بار عاطفی دارد و نه حماسی.

اگرچه قافیه‌ها در بعضی از ده غزل تغییر کرده است، اما رشتهٔ ردیف ، برخی از غزلهای متن را به یکدیگر متصل کرده است. موسیقی بیرونی،باعث ایجاد نوعی انسجام و هماهنگی میشود. البته در این منظومه شاهد عیب قافیه در چند بیت نیز هستیم ازجمله؛

همـــــــه جـــمـله بروی فـــرامُشت کـرد گـذازیـذ چـــــون کشـــــت بی آب گشـــت (۱۳۸۶)

و ابیات(۱۳۷۸،۳۷، ۱۰۱۷، ۱۸۲۶)

۹- ۲- موسیقی کناری

جلوه های موسیقایی حاصل از تکرار واژگان شعری در پایان هربیت است که همان قافیه و ردیف است.« قافیه هم آوایی ناتمامی است که از تکرار یک یا چند صوت با توالی یکسان در پایان آخرین واژه های نامکرّر مصاریع یا ابیات یک شعر و گاه پیش از ردیف می آید.»(حق شناس؛۴۴:۱۳۷۰) ردیف«همگونی کاملی است که از تکرار یک عنصر دستوری یگانه با توالی یکسان و با نقش های صوتی، صرفی، نحوی و معنایی یکسان در پایان مصاریع یا ابیات یک شعر و بعد از واژه قافیه پدید می آید.(همان:۵۰)

در قافیه پردازی «ورقه و گلشاه» در ده مورد از حاجب در قافیه استفاده شده است . حاجب«در اصطلاح قافیه، کلمه ای است که پیش از قافیه به لفظ ومعنی واحد تکرار شود و پسندیده ترین نوع حاجب آن است که میان دو قافیه درآید.»(ماهیار؛ ۱۳۸۶: ۲۹۳)

دُو غـــمـشـان گهِ عشـق گشتی هـــزار دُو لبـشـان گـــه بُـــوسَـــه گشتی چهار (۱۴۲)

۹- ۳- موسیقی درونی

www.SID.ir

Archive of SID

الف) موازنه: یکی دیگر از صنایعی که در حوزۀ موسیقی درونی شعر در منظومه ورقه و گلشاه عیوقی در شمار اندک دیده میشود، صنعت موازنه است.«موازنه، یکی از ابزارهای مهم ساخت شعر است» (سبک‌شناسی شعر، شمیسا:ص۷۲) و «هماهنگ کردن دو یا چند جمله به وسیلۀ تقابل اسجاع متوازن است.» (بیان،شمیسا:ص۴۴)

هـِزَبـر عَـرین سُخـــرَۀ رزم اوســـت بَهـشـت بَـرین چـــاکـر بـزم اوســت (۲۵)

ب) تکرار واژه ها: از عوامل دیگری که در موسیقی درونی «ورقه و گلشاه» تأثیرگذار بوده است، تکرار واژه است که بصورتهای زیر نمود پیدا کرده است:

۱) بصورت تصدیر(ردالصدر الی العجز) که یک واژه به صورت منظم در آغاز و پایان بیت تکرار شده است، این آرایش تنها در سه بیت دیده میشود:

سـپاهـش چـــو کـردندزی‌اونگـــاه بدیـذنـدش انـــدر مـیـان سپـــاه (۱۱۸۱)

۲) بصورت ردالصدر الی العروض که گونه ای تصدیر است و در سه مورد دیده میشود؛ یک واژه بطور منظم در آغاز و پایان مصراع نخست تکرار میشود:

جـــوان و آنـــک بوذ از شمـــار جـــوان بخـــوردند ســوگـــندهـای گـــران (۱۳۴۶)

۳) بصورت ردالصدر الی الابتداء که درشصت و سه مورد دیده میشود؛ در این آرایش، یک واژه بطور منظم در آغاز دو مصراع تکرار میشود:

ثنا را جـز او کـــــس خـریذار نیسـت ثنـــا خـوذ جـز او را ســـــزاوار نیست (۳۰)

۴) بصورت ردالابتدا الی العجز، که در دو بیت دیده میشود؛ در این آرایش، یک واژه بطور منظم در آغاز و پایان مصراع دوم تکرار میشود:

بـذو ورقـــۀ عـاشـــق مـــبتـلا دعـا کـــــردی و گفتـــــی اندر دعـا (۱۶۷۷)

۵) بصورت ردالعروض الی الابتدا، که در شش بیت دیده میشود؛ در این آرایش یک واژه بطور منظم در آخر مصراع نخست و اول مصراع دوم دیده میشود:

ندانستم از شـــامـــم آیـذ بـــلا بلا آمـذ و شـــــذ دلـــم مـبتـــلا

www.SID.ir

Archive of SID

(۱۳۸۳)

۶) بصورت ردالعجز الی الصدر که در دو بیت این آرایش دیده میشود؛ در این آرایش، کلمهٔ پایانی بیت نخست در آغاز بیت بعدی تکرار میشود:

چو در بنـــد او شـــذ درفشـــنده مـاه نهـاذ از طـــرب روی ســـوی سپـاه
ســپاه بنـــی ضـــبّه گشـــتند شـاذ همـــه حـــمله کـــردند چون تند بـاذ
(۷۷۴_۷۷۵)

د) جناس: یکی از جلوه های موسیقی درونی، جناسها هستند.در منظومـهٔ عیوقی شاهد انواع جناس[1] درقافیه ها هستیم؛

۱) جناس مضارع:

بگـفت ایـن و در گـــردش‌آوردگـــرد از آورد گیتـــی پـــر از گـــرد کـــرد
(۷۵۴)

۲) جناس لاحق:

بذو گـفت ورقـــه کـــی گفـــتی صـــواب از این خســـتـه دل بـــاز بشـــنو جـــواب
(۱۷۲۶)

۳) جناس تام:

دوعاشـــق‌برآن‌ســان‌چـــو دوکـوهِ روی گـــــرازان و روی آوریـــــذه بـــروی
(۵۵۷)

روی: (مصراع اول)فلز// (مصراع دوم): چهره

۴) جناس‌محرَّف:

توبگســـل‌مر[آن] ســـنگ‌دل بَـــرده را کـــه بگســـست از هـــم دو دل‌بُـــرده را
(۱۳۵۷)

۵) جناس مرکب: یکی از ارکان جناس آن است که کلمه‌ای مرکب ودیگری بسیط باشد.

کارزار(غیرساده): میدان جنگ. کار، زار: کار(ساده، نهاد) + زار(ساده، مسند)

زســـتی بمـــانـــدند از کـــــارزار بـــرآن هـــر دو آزاذه شـــذ کـــار زار
(۵۵۲)

[1]- انواع جناس براساس«جناس درپهنـهٔ ادب فارسی دکتر جلیل تجلیل» بررسی شده است.مضارع:۲۹/لاحق:۳۱/تام: ۱۶/محرف: ۴۳/ مرکب: ۳۹/ لفظ:۴۹/مردوف: ۲۵/خط:۴۷.

www.SID.ir

Archive of SID

۶) جناس لفظ:

اگـــر از پـی جـــان مـن خـاسـتیذ　　هـمـــه یافتیـذ آنـچِ می‌خـواسـتیـذ
(۲۰۴۳)

۷) جناس زائد(مردوف):

همـی گفـــت:ای مـــایۀ راســـــتی　　چـــه تدبیـــر بوذ آن کـی آراســـتی
(۲۰۸۰)

۸) جناس خط:

هـزبر ار چـه چـیـــره بـُوَذ روز جـــنگ　　چگونه کنذ جـنگ بی‌یشـــک‌وچـــنگ
(۱۷۳)

۱۰- مختصات لغات و واژه ها

۱۰- ۱- قاعده میان دال و ذال (موسوم به ذال معجمه)

در خراسان حرف ذال با آنچه در عربی تلفظ میشده متفاوت و چیزی بین دال و ذال بوده، از این حیث به آن ذال معجمه گفته‌اند. مانند نمونه «خدای را که ما بر وزن شما ادا می‌نماییم در زمان فردوسی خوذ آی به واو معدوله به زبان می‌آورده اند....» (سبک شناسی،بهار،ج۱: ۴۱۳). و اما تفصیل این قاعده چنانکه اهل ادب درکتب خود ذکر کرده‌اند چنین است که فرق میان دال وذال (معجمه) بر چهار قسم است که سه قسم آن ذال معجمه و یک قسم آن دال مهمله است.(دو قاعدۀ فراموش شدۀ در ادب فارسی، خان محمدی:ص ۷) اول، آنست که ما قبل حروف آخر کلمه یکی از حروف علّه (و ، ا، ی) و ساکن باشد، مثل «بود، سود، شنید، رسید» که در این موارد رسم الخط قدیم حتما ذال مینوشتند.

چـوزو بـابـــک‌وَرقـــه‌چـونین شـــنـیذ　　ز حـــمیت یکـــی نـعـــره یی برکشـیذ
(۴۲۸)

این قاعده در سراسر منظومـۀ ورقه و گلشاه نیز رعایت شده است که این خود دلیلی بر قدمت و اهمیت کتاب در زبان فارسی است.

۱۰- ۲- کاربرد واژه های کهن

منظور واژه های کم کاربرد یا کهن کاربردها هستند، واژه ها و ترکیباتی که روز و روزگاری رواج داشته و اندک اندک در گذر زمان یا از گردونۀ زبان بیرون رفته اند یا در لفظ و معنی وساخت، دگرگونیهایی پذیرفته اند، و از آنجا که زبان همواره دچار چنین

www.SID.ir

Archive of SID

دگرگونیهاست، هیچ جای شگفتی نخواهد بود که «منظومهٔ ورقه و گلشاه » سرشار از چنین کاربردها باشد، ضبط این واژه‌ها از جهت چگونگی تطور و تحول آنها اهمیت دارد.

- «سون» به معنای امروزی «سوی، طرف»:

سَخُن بر تو نیکو کند کار زشت سَخُن ره نُماید بسون بَهِشت (۶۵)

- «خنج» که احتمالاً شکل دیگرآن با شکل تحول یافتهٔ آن در قرون بعد واژهٔ «غنج» گردیده‌است، به معنای «شادی،طرب»:

زمین بر نتابد همی گنج اوی زمانه نیاساید از خَنج اوی (۲۳)

- بیغاره= سرزنش،طعنه(۱۸۵۵)،نوفه= بانگ(۲۸۷)، بخته=گوسفند نر(۹۴۳)، خدیش= خدیو،پادشاه(۲۲۱۹)، غریوان = فریاد زنان(۱۸۸۸)، غنودن= خوابیدن(۱۴۹۹)، باشیدن (۶۷۳)، پراشیدن(۱۰۱۲)، غریویدن(۱۵۷).

۱۰- ۲- ۱- کلمه «پیامبر»

که چند شکل در متن دارد: پینبر،پیغمبر(۴۶۶)، پیغانبر(۲۱۷۴).

بذان وقت کآن هردو پژمرده بوذ پیَنبَر سپه بغزا برده بوذ (۲۱۷۲)

۱۰-۲-۲- حذف «ه» در کلمات مختوم به «ه» یا «ـه» غیرملفوظ هنگام اضافه شدن به نشانه جمع «ها»

- خیمها(خیمه ها):

همی کرد با خیمها در نگاه بتیره شب اندر همی کرد راه (۷۹۹)

۱۰- ۲- ۳- حرکت گذاری کلمات

دکترصفا در مقدمهٔ منظومه آورده است که یکی از ویژگیهای بسیار مهم این نسخه، مشکول بودن بسیاری از کلمات آن است یعنی اِعراب و حرکات آن نگاشته شده است. و این امر بحدی مهم است که بسبب آن این نسخه را باید از لحاظ لغت و تلفظ صحیح کلمات یکی از منابع معتبر دانست. برخی از ویژگیهای این کلمات:

۱) حرف ماقبل آخرکلمات مختوم به های غیرملفوظ (های بیان حرکت) مفتوح است. مانند:وَرقَه۱۳۱-مایَه۶۲-پیرایَه۶۲-گسستَه۶۸- بنی‌شَیبَه ۱۹۰- آراستَه۱۲۱۴- خستَه ۱۲۱-کُلَه۱۲۸- بستَه۵۶۴- سُنبُلَه۱۲۸- بوسَه۱۴۲-آختَه۱۰۷۸-رُستَه۱۶۴- و...

www.SID.ir

Archive of SID

۲) باء تأکیدمضموم است.مانند: بُبارُذ۲۸- بُبَر۵۷- بُبُذ۱۰۷۰- بُبَست۹۹۶– بُبَسته۸۱۳و...
۳) باء حرف اضافه مفتوح است.مانند: بَبَر۵۷– بَذو،۹۴۷- بَلولو۱۲۵- بَرَنج۱۵۰و...،
۴) ضبط کلمات فارسی با تلفظ معمول آنها درامروز اختلاف دارد.مانند: بَهشت،۶۵- نَو۱۷۸- کهُن۶۰- سخُن۶۹– جِهان ۲۰۹۶- یَکی۷۸- حَورا۸۵- رُستخیز۱۶۶و...

۱۰- ۳- ویژگیهای دستوری

۱۰- ۳- ۱- کاربرد ضمایر متصل بجای ضمایر منفصل

بصورت جدا کردن ضمایر از مضافشان و بکارگیری آنها بصورت جدا است که سابقهٔ آن در متون کم است؛

ویاشان ز جایی مدد آمدست یکی لشکری بی عدد آمدست
(۱۰۹۴)

۱۰- ۳- ۲- کاربرد «ش» فاعلی

در لغتنامه دهخدا آمده استکه «ش» گاهی به آخر فعل ماضی درآید و از آن به «ش» فاعلی و«ش» زائد تعبیر کنند. دکتر محمود شفیعی مینوسد:« ضمیر فاعلی شین در سوم شخص‌مفرد(ظاهراً برای تأکید یا لهجه‌یی خاص است)». (شاهنامه و دستورشفیعی،۱۳۴۳ :۱۶۳) و امروز در تداول عامه بکار رود.

چو او را بدیدش جهان شهریار نشاندش بر خویشتن نامدار[1]

۱۰- ۳- ۳- کاربرد واژهٔ «مر»

حرفی است که به نظر فرهنگ‌نویسان برای زینت و تحسین کلام یا برای اقامه وزن در شعر یا برای افادهٔ حصر و تحدید یا برای تأیید در جمله ذکر میشود و به عقیده گروه دیگر از لغت‌نویسان از جمله کلمات زایده است و حذفش هیچ لطمه‌ای به جمله نمیزند. به نظر مرحوم بهار این واژه از اصطلاحات خراسان و از لهجهٔ دری است و در نویسندگان‌خراسان استعمال آن گاهی‌شدت‌وگاهی‌ضعف دارد.(سبک شناسی، بهار،ج۱ :ص۴۰۱)در منظومهٔ ورقه و گلشاه این واژه بیشتر برای تأکید پیش از«را» استفاده شده است. انواع استعمال مر:

[1]- فردوسی

www.SID.ir

Archive of SID

الف) پیش از مفعول بی‌واسطه(صریح):

غـم عشـــــق در هـر دُو دل کـــارکـــرد مر آن هـــر دُو را زار [و] بیمـــارکـــرد
(۱۴۷)

ب) گاه پیش از مضاف الیه مقدم بر مضاف («را » فک اضافه):

خُـذای جِـهان مـر وَ را یـــــار بـــــاذ ز هـر بـذ خـذایـش نـگـه دار بـاذ
(۵۰)

ج) پیش از مسندالیه یا فاعل:

نبـایـذ مـــــرو را از ایـــــذر شـذن بمـلـک خـوذ انـــــدر ببـایذ بُـذن
(۱۸۷۶)

د) پیش از مفعول با حذف حرف «را»:

بسـوگـــند مر هـر دوان بســـته کـــن دل هـر دوُ بـا عـهـد پیـوســـتـه کن
(۱۰۰۳)

۱۰- ۳- ۵- آوردن «شدستی»

یکی از صورتهای صرفی ماضی نقلی در دوره فارسی دری، استعمال آن با «است» میباشد. دربارهٔ این وجه مقدسی نوشته است که «مردم نیشابور سینی بیفایده (به بعضی از صیغه‌های فعل) میافزودند» و کلمات بخردستی، بگفتستی، بخفتستی را مثال آورده و از اینجا مرحوم بهار اینگونه فعلها را «افعال نیشابوری»خوانده است. اما استعمال آن گذشته از شعر در نثر نیز اختصاص به ناحیـهٔ معینی ندارد و در متون مختلف دیده میشود. (تاریخ زبان فارسی،ناتل خانلری،ج۲:ص ۲۵۸)

کی از هـجـــر گلشـــاه و مـرگ پـذر شـذسـتی دلاواره آسـیـمـه ســر
(۴۹۲)

۱۰- ۳-۶- کاربرد افعال دعایی

در فارسی دری ساختن وجه تمنایی به سه روش است که از مادهٔ مضارع با افزدون الف ممدود(آ= ā) به میان ماده فعل و شناسه، یا افزودن این مصوت ممدود به آخر صیغـهٔ فعل (بعد از شناسه) یا هردو صورت با هم ساخته میشود.(تاریخ زبان فارسی،ناتل خانلری،ج۲: ۲۲۳)(باد، زیاد، کناد، مبرّاد، مبادا،دهاد،دهادا)

الف) پیش از شناسه:

www.SID.ir

Archive of SID

سبـــک بـــاز داذیـــــش گـــلشـــه جـــواب کـه ایـــزذ کـــنـــاذ ایـــــن دعـــا مســـتجـاب
(۱۶۸۰)

ب) هردو باهم:

بپـــاســـــــخ ورا وَرقَـۀ نیـــک رای چنین گـــفت: کـت یـــار بـــــاذا خـذای
(۱۹۳۴)

وجه تمنایی دوصورت مثبت و منفی دارد.وجه منفی آن«تحذیری»خوانده میشود همیشه با حرف نهی «مَـ» بکار میرود.(تاریخ زبان فارسی،ناتل خانلری،ج۲: ۲۲۵)(مبادا، مبرّاد و...)

همی تـــا بمحـــشـر مبیـــناذ رنـــــج زِ فـــرزند و مال و ز مـلـک وز گـــــنـج
(۴۰)

۱۱- ویژگیهای ادبی

۱۱- ۱- بیان

سبک شعرعیوقی، سبک خراسانی است. اگرچند رایحه‌ای از سبک عراقی نیز به مشام میرسد و تشبیه و استعاره در شعر وارد شده است؛اما پا از حریم تشبیهات حسی بیرون نمینهد بطوریکه یا مشبه و یا مشبهٌ به حسی است.

۱۱-۱-۱- تشبیه

مهمترین عنصرِ بیان در شعر عیوقی، تشبیه است.بسامد استفاده ازآن ۲۱۶ مورد است.

۱) تشبیه حسی به حسی:

بسیجـیذو گـــــرد آوریـــذش ســـــپاه سپـــاهـی بکـــــردار ابـــــــر ســـــــیاه
(۳۰۵)

۲) تشبیه حسی به عقلی:

مـــــرآن را کجـــــا نام او بُـــذ هِـــلال یـکـــی دُخـــــتَری بوذ حَـــورا مثـــــال
(۸۵)

۳) تشبیه عقلی به حسی:

برآیـــذ چـــو ضـــرغـــام مـرگ از کمـین زنـد مـــرد را ناگـهـــــان بـر زمیـــــن
(۱۴۶۲)

۴) تشبیه بلیغ:

مـــرورا پذر نـــام گُـــــل شَـــــه نِهاذ کـــه خـورشیـذ رخ بـوذ و حَـــورا نـــژاذ

www.SID.ir

Archive of SID

(۸۸)

۱۱- ۱- ۲- استعاره

در شعر قرن پنجم، تشبیه و استعاره تقریباً به اندازه هم وجود دارد. در شعر عیوقی که در میانه شعر دوره سامانی و دوره دوم غزنوی جای دارد، استعاره بکار رفته امااستعاره های آن، در مجموع و به نسبت، از شعر دوره سامانی بیشتر است.بسامد استفاده از استعاره در این منظومه ۱۷۹ مورد است و بیشتر استعاره‌های معمول و متداول است .

الف) استعاره مصرحه:

یکی حـیّ بُـذ بر سَـه منـزل زمیـن　　مـقام هـزبران [پـرخـاش] وکـیـن
(۱۸۶)

هزبران: استعاره از «دلاوران»

ب) استعاره مکنیه: از ۱۶مورد استعاره مکنیه، برخی به صورت اضافه استعاری است:

بـدل دَر دَرِ درد و غـم بـاز کـرد　　از اُنه یکـی شـعـر آغـاز کـرد
(۴۷۷)

بیشتر استعاره مکنیه‌های او به صورت اضافه استعاری در نیامده‌اند، که در شواهد زیر میتوان یافت:

- رستنِ وفا:

هـم از کـوذکی مهرشان بَسـتَه بوذ　　وفـا در دل هـر دوان رُسـته بوذ
(۵۶۴)

- مرگ باریدن:

سـر از آسمـان برگـذارذ همـی　　زشمشـیر او مـرگ بـارذ همـی
(۱۰۹۹)

۱۱- ۱- ۳- تشخیص

از عناصر اولیه شعر است اما همه شاعران طبعاً بیک اندازه و یکسان از آن استفاده نمیکنند.در شعر عیوقی، تشخیص به آن اندازه که در شعر بعضی ازهمعصرانش، مانند منوچهری و فرخی، دیده میشود وجود ندارد. طبق معمولِ شاعران، تشخیص‌های او به-صورت اضافه استعاری است؛ گریستنِ اجل(۲۸)،رویِ هجران(۳۹۹)،چشمِ غم(۶۵۰)،دستِ هجران(۹۱۸)،چشممِ غمام(۱۸۶۷).

www.SID.ir

Archive of SID

بعضی از تشخیص های او به صورت اضافه استعاری در نیامده اند:

چـو جـودش بُبـــارَذ نبـــارذ اَمَـــل چـو تیـغش بخـندذ بگـــــریذ اجـــل
(۲۸)

۱۱- ۱- ۴- مجاز و کنایه

همچون استعاره، در شعر دوره سامانی نسبت به تشبیه اندک است و بتدریج در دوره‌های بعد فزونی میگیرد.در شعر عیوقی نیز، این عنصرِ بیانی نسبت به شعر دوره سامانی بیشتر و نسبت به شعر قرن ششم، که یکی از دورانهای رواج مجاز وکنایه در شعر فارسی است، کمتر است. بسامدمجاز۶۷ و کنایه ۴۹۶مورد است.نمونه های آن عبارتنداز:

الف) مجاز: سیم= سفیدی(۹۱)، هامون= زمین(۱۶۱)، نور= خورشید(۳۳۵)،آهن= لباس جنگ(۳۵۵)،فرق= سر(۳۵۵)، خون: = اشک(۴۸۳)، پشیز= ثروت(۸۸۴)، مژگان: = چشم و...

ب) کنایه: شکرچین شدن: بوسه گرفتن(۱۰۶)،رخت افکندن:اقامت کردن، مقیم شدن، مردن(۱۹۱۴)،پس پشت کردن: فراموش کردن(۲۰۰۴)،گم شده بخت: بدبخت(۲۰۰۸)، و...

۱۱- ۲- بدیع

در شعر عیوقی آرایه‌های بدیعی نیز جلوه‌ای معتدل دارند و شاعرهمچون دیگر پیشاهنگان شعر فارسی، دراستفاده ازبدیع زیاده‌روی نمیکند. بعضی آرایه‌ها عبارت است از:

۱۱-۲-۱- ارسال المثل

ز ورقـه چه خـیزد، چـــه آیذ از اوی؟ ز جـوی تُـهـی آبِ دریـــا مـجـــوی!
(۲۰۰)

اگـــــر ســروری لاف چندین مـــزن کـه از لاف زن بـــه یکـــی پیـــــرزن
(۱۱۳۷)

۱۱-۲-۲- لف و نشر

- لف و نشر مرتب:

ز جـــان و زخـــونِ معـــادی کنـم هـــوا تیـــره فـام و زمیـــن لاله رنگ
(۲۹۸)

- لف و نشر مشوش:

ازآن مـــوی خوشـبوی و آن روی پـاک پـر از لاله شذ ســـنگ و از مشـک خاک
(۶۲۸)

www.SID.ir

Archive of SID

۱۱-۲-۳- تلمیح(اشاره به آیات الهی)

ز دوذ از دل کـــافـــران کـــافـــری　　بشـمشـیـر و برهـــــان پیغـــانبری
(۷۶)

اشاره به «یا ایها الناس قد جاءَکم برهان من ربکم و أنزلنا الیکم نوراًمبیناً». (نسا/۱۷۴)

قـــــرین تو گـــلشـــــاه فرّخ نـــــژاذ　　روان آن ستـــذ کـــو بذو بـــــاز داذ
(۱۴۶۶)

«نَفَختُ فیهِ مِن رُوحِی» (حجر/۲۹)، «وَ یَسْئَلُونَکَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّی؛ (اسراء/۸۵)»، « نَفَخَ فِیهِ مِن رُّوحِهِ (سجده/۹)|| آیه گرفتن روح: الله یتوفی الانفس حین موتها...(زمر/۴۲)

۱۱-۲-۴- ملمع

سـلامٌ مِن العـــــالمِ الحـــــاکـــمِ　　عَلـی روضـۀ المصـــــطفی الهـــاشمی
شفیـــع اُمَـــم خـــــاتم انبیـــــــا　　سپهـــر رســـــالـــت مـــــهِ اصـــفیا
(۷و۸)

۱۱-۲-۵- ایهام

یکـــی ســـــرو بُـــن بـوذ آراســـتَـه　　بتـی چُـون بهـــاری پر از خُـواسـتـه
(۸۶)

بهار: ۱) فصل بهار ۲) شکوفه ۳) بتخانه ۴) زیبا و خوش اندام[1]. در اینجا متناسب با «بت» و بمعنی «بتخانه».

۱۱- ۲- ۶- حرفگرائی

یعنی« تشبیه به شکل و موقعیّت حروف الفبا»(بیان،شمیسا :۱۱۰) بسامد استفاده از این نوع آرایه در منظومه عیوقی، تنها دو مورد است.

هَمـه روی حُسـن وهَمـه مـــــوی میـم　　همـه زلـف تـــلب و همه جعـــد جیم
(۱۲۹)

همه جا بمعنای تنگی لب است ولی اینجا موی میم یعنی موی بافته شده و مجعد.

۱۱- ۲- ۷- ایجاز در توصیف

[1]- لغت نامه دهخدا،زیرنظردکترمعین و شهیدی،ج۴:ص۵۰۹۸

www.SID.ir

Archive of SID

شیوهٔ عیوقی در وصف احوال و رفتار شخصیتهای داستان و درتوصیف صحنه‌های مختلف غالباً مبتنی بر ایجاز و اعتدال است.یک دلیل این پایبندی،آغازگری عیوقی در این فنّ است ودیگرآنکه هنوزشعرفارسی درقیدتوصیفات و هنرهای کلامی و شخصیت‌پردازی نبوده است.

- در نعت پیامبر:

بُگسترد او در عرب دین پاک　　سرِ سرکشان اندرآمذ بخاک
زدوذ از دل کافران کافری　　بشمشیر و برهان پیغانبری
(۷۵و۷۶)

- وصف میدان جنگ:

براندند ازین و از آن سو سپاه　　برابر فتاذند در نیم راه
همان و همین ساخته ساز جنگ　　نکردند بر کینه جستن درنگ
هم از گَرد ره جنگ بر ساختند　　زمین را بلرزه درانداختند
مصاف سپه را بیاراستند　　کی می جنگ با آرزو خواستند
علم‌ها ز عیّوق بگذاشتند　　بگرد آسمان را بیَنباشتند
(۳۲۴ -۳۲۸)

- در وصف سخن(۶۱) و در وصف گلشاه(۸۶).

۱۱- نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفتیم، مهمترین ویژگیهای «ورقه و گلشاه عیوقی» را بدین شرح بر میشمریم:

سبک شعر عیوقی، سبک خرا سانی ا ست و ویژگیهای این سبک بنحو بارز در شعر او دیده میشود. در سبک خراسانی، از نظر فکری، مدح محور اصلی است. عیوقی، شاعر مسلمان پارسی گوی نیز، پس از ستایش خداوند، مدح پیامبر اسلام(ص)را سر لوحه کار خود داشته‌است. سپس به مدح ممدوح خود، سلطان محمود غزنوی میپردازد و اشاره میکند که این کتاب را بدرخواست او از عربی بفارسی بنظم درآورده است.

در این منظومه چندین بار غزلهایی به بحر متقارب یعنی بحر ا صلی منظومه آمده ا ست. این کار در ادبیات فارسی کم‌نظیراست.۱۰ غزلی که عیوقی در مطاوی این منظومه آورده بسیار لطیف و دل انگیز و از جمله غزلهای قدیم فارسی است که مقرون به روانی و انسجام لفظ و دقت و باریکی معانی است.

شیوهٔ عیوقی در وصف احوال و رفتار شخصیتهای داستان و توصیف صحنه‌های مختلف غالباً مبتنی بر ایجاز و اعتدال است.

www.SID.ir

Archive of SID

به لحاظ فکری، جنبه‌های عقلانی بر احساس و عواطف و اغراق غلبه دارد؛ این منظومه نمونه بارز تلفیق حماسه و غزل است.

در مقولـهٔ بیان، تشبیه و استعاره در شعر اوهست؛اما پا از حریم تشبیهات حسی بیرون نمینهد. تشبیه و استعاره‌های موجود در منظومه ، ساده و براحتی قابل فهم هستند.در شعر عیوقی آرایه‌های بدیعی نیز جلوه‌ای معتدل دارند و شاعر همچون دیگر پیشاهنگان شعر فارسی، در استفاده از بدیع زیاده‌روی نمیکند.

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

۲- بیان، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، چاپ نهم، تهران: انتشارات فردوس.

۳- تاریخ ادبیات در ایران ازآغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی، صفا، ذبیح ا...، (۱۳۶۹)، جلد۱، تهران: انتشارات فردوس.

۴- تاریخ زبان فارسی، ناتل خانلری،پرویز،(۱۳۶۵)، ۴جلد، تهران: نشرنو.

۵- جناس درپهنـهٔ ادب فارسی، تجلیل، جلیل،(۱۳۶۷۳)، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۶- دستور زبان فارسی(کتاب حروف اضافه و ربط مشتمل بر تعریف وتقسیم و شرح اصطلاحات و معانی و...)،خطیب رهبر، خلیل، (۱۳۶۷)، تهران: انتشارات سعدی.

۷- «دو قاعده ی فراموش شده در ادب فارسی»،خان محمدی، علی اکبر،(۱۳۸۶)، نشریه رشد آموزش زبان و ادب فارسی،دوره بیستم،شماره۴ .صص۴ ـ ۸ .

۸- سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، تهران: انتشارات فردوس.

۹- سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، بهار، محمدتقی،(۱۳۸۱)، ۳جلدی، تهران: نشرکتابهای پرستو.

۱۰- شاهنامه و دستور، شفیعی، محمود، (۱۳۴۳)، چاپ اول، تهران: انتشارات نیل.

۱۱- عروض فارسی،ماهیار، عباس،(۱۳۸۶)،چاپ نهم، تهران: نشر قطره.

۱۲- کلیات سبک شناسی، شمیسا،سیروس،(۱۳۸۴)، ویرایش دوم،تهران: میترا.

۱۳- لغت نامه دهخدا، زیر نظر معین، محمد، سید جعفر شهیدی، (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۱۴- مقالات ادبی ـ زبان شناختی، حق شناس، علی محمد ،(۱۳۷۰) ، تهران: نیلوفر

۱۵- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمد رضا،(۱۳۷۳)، تهران: آگاه.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۶- نگاهی به هنرنقاشی ایران از آغاز تا قرن ۱۰هـق، تجویدی،اکبر،(۱۳۷۵)،تهران:سازمان چاپ و فرهنگ ارشاد اسلامی
۱۷- ورقه و گلشاه عیوقی از منظومه های داستانی و عاشقانه کهن و پرارزش زبان فارسی، صفا، ذبیح ا... ، (۱۳۶۲) ، چاپ دوم، تهران:انتشارات فردوس.
۱۸- یکصدمنظومه‌ی عاشقانه‌ی فارسی،ذوالفقاری، حسن، (۱۳۹۲)، چاپ اول،تهران: نشر چشمه.

www.SID.ir